



شناخت وصی خاتم الانبیا و پیروان ایشان با تکیه بر منابع اهل سنت

امیر محمد عیسی بیگلوا^۱

چکیده

مساله امامت و رهبری امت از جمله اموری است که بسیار به آن پرداخته شده و لازمه نبوت و تکمیل کننده آن است. پیامبر مکرراً وصی و جانشین خود علی بن ابی طالب (ع) را به صحابه خود و امتش معرفی نمود و در غدیر از حاضرین خواست که غائبین را از این امر الهی خبر دهند؛ چرا که اسلام کامل نگشت مگر با التزام و تمسک به ولایت علی بن ابی طالب و اولاد ایشان، کسی که ملازم امام باشد به معارف قرآن نیز دست خواهد یافت؛ چرا که اهل بیت شارح قرآن هستند و صراط مستقیم را طی خواهد نمود. حجت خداوند بر او تمام می شود و رستگار خواهد شد. شیعه با تمسک به قول پیامبر (ص)، عشق و علاقه و محبت خود را به خاندان وحی نشان داده و در رفتار و گفتار اهل بیت را الگوی خود نموده و پیرو ایشان هستند. آن‌ها امامت ایشان را پذیرفته و پیامبر نیز پیروان علی (ع) که شیعیان ایشان باشند را وعده بهشت و رستگاری داده‌اند. در این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر مطالعات کتابخانه‌ای بنا داریم که وصی الهی را براساس منابع اهل سنت معرفی کنیم تا تصمیم گیری برای پیروی راه حق برایمان راحت تر میسر گردد.

واژه‌های کلیدی: علی بن ابی طالب، هادی، شیعه، وصی.

پرونده گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناسی ارشد تاریخ تشیع a.isabeglou@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹

خداوند متعال با خلقت آدم مرحله‌ای جدید را به روی تمام هستی گشود با وجود آدم هم فرشتگان آزموده شدند هم لیاقت و شایستگی انسان و اطاعت پذیری او سنجیده شد شیطان به سبب تکبرش مطرود درگاه الهی شد و از فرمان الهی مبنی بر سجده بر آدم تخلف ورزید (و یاد کن هنگامی که به فرشتگان گفتیم به آدم سجده کنید پس سجده کردند مگر ابلیس که سرپیچی کرد و تکبر ورزید و از کافران شد)^۱ و آدم نیز با سوگند خوردن شیطان مبنی بر اینکه خیر خواه آدم است و آدم (ع) تا به حال سوگند دروغ نشنیده بود سخن ابلیس را انجام داد (و ابلیس) برای هر دو (آدم و حوا) سوگند سخت و استوار یاد کرد که یقیناً من برای شما از خیر خواهانم^۲ و از آن درخت خورد و برخی اعمالش نمایان گشت به درگاه الهی توبه نمود و به نام ۵ تن مقدس که ارزش و جایگاه والایی نزد خداوند داشتند قسم خورد تا خداوند توبه‌اش را پذیرفت (ابن عباس گوید از پیامبر درباره کلماتی که آدم گفت و توبه‌اش پذیرفته شده سؤال پرسیدم و فرمود آدم بحق محمد و علی و حسن و حسین و فاطمه (ع) سوگند خورد و با این کلمات و نام‌ها توبه‌اش پذیرفته شد) (سیوطی، ۱۴۲۴ ق: ۳۲۴/۱)

و آدم با هبوط به زمین مأمور هدایت بر زمین شد تا نسل آدمیان زیاد شود و خداوند پیروان حق را وارد بهشت و پیروان شیطان را داخل در دوزخ کند و برای هدایت آدمیان حجت‌هایی را به زمین ارسال نمود تا بدون دلیل و حجت حکمی نکند و بهانه‌ای برای فرزندان آدم نباشد خداوند شایسته‌ترین افراد را به سوی هدایت خلق ارسال نمود و فقط خداوند از این امور آگاه است و پس از هر پیامبری وصی پیامبر را مشخص می‌نمود (به یاد آر هنگامی که خداوند ابراهیم را به اموری چند امتحان کرد و او همه را به جا آورد و خدا به او فرمود من تو را به پیشوایی خلق برگزینم { ابراهیم } گفت این پیشوایی را به فرزندان من عطا خواهی کرد؟ فرمود عهد من هرگز به ستمکاران نمی‌رسد) (خدای تو هر چه خواهد بیافریند و برگزیند و دیگران را هیچ اختیاری نیست و ذات پاک الهی منزه و برتر از آن است که به او شرک ورزند)^۳ تا امر هدایت صورت گیرد و عده‌ای نیز مخالف این حجت‌های الهی هستند که دعوت به شیطان می‌کنند و از پیروان شیطان هستند (و برخی از آن { بنی اسرائیل } را امام و پیشوایانی که خلق را به امر ما هدایت کنند قرار دادیم برای آنکه در راه حق صبر کردند و در آیات ما یقین یافتند) (ما آن قوم { ظالم } را پیشوایان ظلالیت و دعوت به دوزخ قرار دادیم و روز قیامت هیچ کس آنان را بر نجات از عذاب یاری نخواهد کرد)^۴ از زمان آدم (ع) تا آخرین پیامبر خاتم انبیا و اوصیا برای هدایت خلق ارسال شدند تا به حق و امر الهی هدایت کنند و حجت تمام شود چون خداوند بدون اتمام حجت

۱. «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره ۳۴)

۲. «وَ قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ» (اعراف ۲۱)

۳. «إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ { ابراهیم } وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا تَبْتَلِ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره ۱۲۴)

۴. «وَرَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ، مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (قصص ۶۸)

۵. «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده ۲۴)

۶. «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ» (قصص ۴۱)

کسی را عذاب نمی‌کند یا پاداش نمی‌دهد (هرکس هدایت یافت فقط به سود خودش هدایت یافت و هرکس گمراه شد فقط به زیان خودش گمراه می‌شود و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌گیرد و ما بدون اینکه پیامبری را (برای هدایت مردم) بفرستیم عذاب کننده (آنان) نبودیم) (پیامبرانی که مژده دهنده و بیم دهنده بودند تا مردم را پس از فرستادن پیامبران عذر و بهانه و حاجتی نباشد و خدا همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است) در زمان پیامبر اسلام نیز ایشان با تمام وجود امر الهی را بین مردم ابلاغ کرد و بارها وصی خویش را بین مردم مشخص نمود و دستور پیروی از ایشان را داد تا امت بدون حجت رها نشوند و امر الهی باطل نشود (زمین هرگز از کسی که حجت خدا را اقامه کند چه آشکار و شناخته شده باشد و یا ترسان و پنهانی خالی نمی‌شود تا این که حجت‌ها و دلایل آشکار خداوند باطل نگردد)

علی (ع) کسی است که با وجودش توبه حضرت آدم (ع) پذیرفته شد و فضائلی دارد که پیامبر بارها آن‌ها را بیان نموده و علمای اهل سنت نیز بارها به آن استناد و اعتراف نموده‌اند که حقانیت و الهی بودن ایشان را می‌رساند سوالی که در این پژوهش مطرح است این است که آیا پیامبر همانند انبیای گذشته توانست وزیر و وصی و جانشین خود را معرفی کند؟ آیا شیعه با تمسک به جانشین بر حق پیامبر می‌تواند به هدایت الهی دست یابد؟ همانطور که خواهد آمد ما در این پژوهش بنا داریم وصی و خلیفه بر حق پیامبر را با استناد به روایات دسته اول اهل سنت معرفی کنیم و شوونی که یک امام با آن شایستگی ولایت را می‌یابد را بیان کنیم تا حجت‌ها برای همگان معلوم گردد و راه حق برای پیروی کردن مشخص شود روایت متواتر هست که می‌فرماید (هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است) (ابن حنبل، ۱۴۱۶ ق: ۱۸۸/۱۳) پس طبق این روایت بحث هدایت و بحث شناخت و معرفت به امامی که شناختش ما را از جاهلیت نجات می‌دهد واجب است همچون آیه اولی الامر، چرا که اگر امام بر حق را بشناسیم و از آن پیروی کنیم راه سعادت و هدایت را پیموده‌ایم و اگر به خوبی او را نشناسیم و از او پیروی نکنیم مانند جاهلیت کافر خواهیم بود حتی اگر اعتقاد به توحید و نبوت داشته باشیم (إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي).
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پیشینه پژوهش

در باب اثبات ولایت علی (ع) کتب کلامی، حدیثی بسیاری نوشته شده است که هر کدام ویژگی‌های خاص خود را داراست مثل الغدیر علامه امینی که جنبه حدیثی تاریخی دارد و به بررسی شبهات و اثبات ولایت حضرت علی (ع) پرداخته و کتب کلامی علامه حلی و آیت الله میلانی از این دسته می‌باشند و دو مقاله در باب وصی خاتم الانبیا یافت شد که اولی ویژگی‌های وصی از منظر قرآن و عهدین، خانم معصومه محمدی که ایشان در این مقاله صرفاً ویژگی‌های امام از جمله عالم بودن و منصوب از جانب خدا بودن را بحث نموده و به منابع معاصر استناد نموده و مقاله دوم مصداق وصی در متون و روایات اهل سنت آقای

۱. «مَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء ۱۵)
«رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِنَلَّأَ يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (نساء ۱۶۵)



اصغر قائدان است که در این روایت نیز صرفاً به نقل روایت وصی از کتب اهل سنت پرداخته اما این پژوهش با طرح تحلیلی مباحث قرآنی و روایی از منابع اهل سنت با شیوه توصیفی تحلیلی، کلامی در اثبات ولایت علی (ع) و حقانیت پیروان اسلام پرداخته که می‌تواند برای علاقه‌مندان به تحقیق در مذهب جالب توجه باشد.

اطاعت مطلق از معصوم

آدمی از ابتدای خلقت نیاز به راهنما داشته تا راه را از بی‌راهه تشخیص دهد و در تاریکی‌های دنیا فرو نرود و با روشنی مسیر را طی کند خداوند برای هر چیزی نشانه‌ای قرار داده تا با آن لطفی به مخلوقات کرده باشد آدمی بدون راهنما مانند کشتی خالی و بدون راه بلد است که اگر این راه بلد نباشد در امواج اقیانوس غرق خواهد شد خداوند با ارسال انبیاء و اوصیای معصوم واسطه‌ای بین بندگان ایجاد کرده تا برای آن‌ها راهگشایی کند و به سوی هدایت دعوت کنند خواه سپاسگذار باشند خواه ناسپاس حجت بر آن‌ها تمام شده.

(ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و صاحبان امر را اطاعت کنید و چون در چیزی کارتان به گفتگو و نزاع کشد به حکم خدا و رسول بازگردید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید این کار برای شما بهتر است از آنچه تصور می‌کنید)^۱

فخر رازی: پس ثابت شد فرمان خدا به اطاعت از اولی الامر حتمی و قطعی است و ثابت شد هر کس که خدا پیروی و اطاعتش را واجب و قطعی بداند باید معصوم از خطا و اشتباه باشد و قطعاً ثابت شد که اولی الامر مذکور در این آیه باید معصوم باشد (فخر رازی، ۱۴۰۱ ق: ۱۰/۱۴۸)

(و هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به اذن خدا از او اطاعت شود)^۲

*طبق این آیات ماموریم که بدون هیچ قید و شرطی پیرو پیامبر و اولی الامر باشیم اگر بدانیم که او اشتباه می‌کند دیگر لزوم پیروی معنایی ندارد خداوند دستور به پیروی از آن‌ها را داده پس چگونه ممکن است که خطا کنند و به خطا امر کنند؟ خداوند دستور مطلق به اطاعت از آن‌ها می‌دهد بنابراین اگر این فرستادگان دستور به امری کنند که مخالف شریعت و امر الهی باشد این اطاعت بیهوده خواهد بود و خدا امر بیهوده نمی‌کند مثل امر به زنا یا شرب خمر، مطابق آیه اولی الامر اگر اطاعت و پیروی از ایشان باهم نکنیم به خدا و روز قیامت ایمان نداریم در نتیجه عدم پیروی از امام، مساوی با کفر است.

پیامبر (ص) فرمود: هر کس از من اطاعت کند از خدا اطاعت کرده و هر کس مرا نافرمانی کند خدا را نافرمانی کرده و هر کس تو را {علی (ع)} اطاعت کند مرا اطاعت کرده و هر کس از تو نافرمانی کند از من نافرمانی کرده (الحاکم، ۱۴۳۵ ق: ۵/۳۳۳)

۱. «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا اللهَ و أطیعوا الرسولَ و أولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فرددوه الی الله و الرسول ان کُنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و أحسن تأویلاً» {نساء ۵۹}

۲. «و ما أرسلنا من رسولٍ الا لیطاع بإذن الله» (نساء ۶۴)

*طبق این روایت اطاعت محض در تمام امور مختص خدا و رسولش است و پیامبر اطاعت از امیرالمؤمنین علی (ع) را اطاعت خدا و رسول خوانده و این روایت است که مصداق واقعی آیه اولی الامر و با آن مطابقت دارد.

هادی امت

هدایت کردن مخلوقات خداوند به سمت صراط مستقیم جز با هادی معصوم که خود مسیر هدایت را بشناسد میسر نخواهد شد کسی می تواند راهگشا و هادی باشد که عمق وجود هدایت را بداند و بشناسد و خداوند این لطف را در حقش قرار داده باشد وگرنه کسی که خود بی دلیل ادعای هدایت کند سرانجام خود و پیروانش ظلال و گمراهی خواهد بود چرا که به تاریکی هدایت می کند.

انس بن مالک می گفت پیامبر به علی بن ابی طالب نگاه کرد و فرمود من و علی حجت خداوند بر خلقش هستیم (ابن عساکر، ۱۴۱۷ ق: ۳۰۹/۴۲)

*پیامبر و علی (ع) حجت خداوند بر روی زمین هستند و اگر آن را انکار کنند این یعنی ایستادگی در برابر امر صریح الهی و مخالفت با آن کفر محض است حجت و آیات الهی توسط خداوند ارسال می شوند برای اینکه عذر و بهانه ای نباشد حال که برخی دنیا طلب و پیرو آتش هستند که مخالف حجت الهی عمل کنند باید منتظر عواقب آن هم باشند آیه قرآن می فرماید: قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (انعام ۱۴۹) بگو دلیل و برهان رسا (که قابل شک و تردید نیست) مخصوص خداست و اگر خدا می خواست قطعاً همه شما را هدایت می کرد.

پیامبر فرمود: ای علی تو هادی و هدایت کننده هستی بعد از من با تو هدایت شدگان هدایت می یابند (فخررازی، ۱۴۰۱ ق: ۱۵/۱۹)

*منبع هدایت و فیض الهی بعد از پیامبر وجود امیرالمؤمنین علی (ع) است حجت خداوندی که انکار نشدنی است با وجود این نور، دیگران دل به تاریکی سپردند و حجت الهی را فراموش کردند و پیرو امامان آتش شدند مسلماً کسی می تواند هدایت کند که معصوم باشد تا به امر الهی و صراط مستقیم سوق دهد کسی که حق و حقیقت را بشناسد می تواند به سوی حق دعوت کند کسی که معصوم از هر خطا و اشتباه باشد می تواند معیار حق باشد تا با او مردم خدا را بشناسند اگر این حقانیت نباشد خداوند هم شناخته نخواهد شد چون بین خداوند و خلقش واسطه ای است که به حق دعوت می کند تا خداوند بر همه شناخته شود و حجت تمام شود خداوند می فرماید از معبودان شما کسی هست که توانایی دعوت به حق را داشته باشد؟ این فقط خداست که حق و حقیقت را مشخص می کند نه دیگران چون خداوند آگاه به تمام امور است و بهترین خلق خودش را معیار حق قرار می دهد.





ابی لیلی غفاری گوید از پیامبر شنیدم می فرمود: بعد از من فتنه ای خواهد بود پس از علی (ع) پیروی کنید که او اولین فردی است که مرا می بیند و اولین فردی است که در روز قیامت به من ملحق می شود و او همراه من است در آسمان بالا و او کسی است که حق و باطل را از هم دیگر جدا می کند (ابن حجر، ۱۴۲۳ ق: ۴۹/۲) پیامبر فرمود علی با قرآن است و قرآن با علی است این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر حوض من وارد شوند (الحاکم، ۱۴۳۵ ق: ۳۲۷/۵)

* لزوم با قرآن بودن امیرالمؤمنین (ع) معصوم بودن و عالم بودن ایشان است چرا که جز پاکان به قرآن دسترسی ندارند و جز عالمان کسی نمی تواند شارح قرآن باشد همانگونه که قرآن از هر گونه خطا و اشتباه به دور است علی (ع) نیز مانند قرآن به دور از خطا و اشتباه است.

فخر رازی: پس به تواتر ثابت شده است هر کس در دینش به علی (ع) اقتدا کند به راستی که هدایت شده و دلیل، این سخن پیامبر است که فرمود خدایا حق را بر مدار علی (ع) بگردان هر جا که او باشد (فخر رازی، ۱۴۰۱ ق: ۲۱۰/۱) ام سلمه می گفت علی (ع) بر حق بوده و هر کس از او تبعیت کند از حق تبعیت کرده و هر کس او را رها کند حق را رها کرده و این عهد و تقدیر ثابت خداوند است (طبرانی، بی تا: ۳۲۹/۲۳)

* لزوم اقتدا و هدایت کردن، معصوم بودن فرد است وگرنه کسی که خود ندارد نمی تواند چیزی به دیگری اعطا کند (فَاقِدُ الشَّيْءِ لَا يُعْطَى) و فرموده حق را به دور علی بچرخان نه علی را به دور حق، این جمله خود ارزش بالایی دارد یعنی جایگاه علی (ع) بالاتر از حق است که حق و حقیقت با او شناخته می شود و حق طلبان باید به دور علی بچرخند که مظهر حقانیت است هر که طالب حق است به دنبال علی برود نه اینکه علی به دنبال آن ها برود مثل کلام حضرت فاطمه (س) که فرمودند: مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُوتَى وَ لَا تَأْتِي، مَثَلُ إِمَامٍ مِثْلُ كَعْبَةٍ هِيَ مَرْدَمٌ دَوْرَ كَعْبَةٍ مِثْلُ كَعْبَةٍ دَوْرَ أَنْهَا. پس حجت ها از جانب پیامبر تمام شده حتی اگر انگشت در گوش کنند وظیفه دارند به دنبال حق بروند نه اینکه خود را به خواب بزنند و منتظر آمدن حق باشند.

سعد بن ابی وقاص به معاویه گفت از پیامبر شنیدم که به علی (ع) فرمود تو با حق هستی و حق با توست هر جا تو باشی حق همانجاست معاویه گفت باید برای این سخت شاهد بیاوری سعد گفتام سلمه شهادت می دهد همگی نزد ام سلمه رفته و گفتند ای مادر مومنان دروغ بستن به پیامبر زیاد شده سعد سخنی از پیامبر نقل می کند که ما نشنیده ایم او می گوید پیامبر خطاب به علی (ع) فرمود تو با حقی و حق با توست هر جا که باشی حق همانجاست ام سلمه گفت پیامبر این مطلب را در خانه من به علی (ع) فرمود معاویه به سعد گفت ای ابا اسحاق من نباید پیش از تو ملامت شوم چرا که تو این سخن را از پیامبر شنیدی و به علی (ع) نپیوستی اگر من آن را از حضرت شنیده بودم تا زمان مرگ خادم علی (ع) می شدم (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق: ۳۶۱/۲۰)

* سعد این روایت را می دانسته و حق را می شناخته اما به منبع حق نپیوسته و از آن دور شده و معاویه نیز این روایت را شنید و به دشمنی و سب و لعن امیرالمؤمنین پرداخت درحالی که همیشه حق با علی (ع) است و هر جا که ایشان باشد حق و حقیقت هم

آنجاست درجمل، صفین، نهروان بر حق بوده و طرف‌های مقابل همگی در آتش و اهل باطل بودند این روایت فقط مختص سعد و معاویه نبوده برای تمام امت بعد از پیامبر است چرا که خدا و رسولش حجت الهی را مشخص و معین کردند این افراد هستند که می‌توانند مثل شیطان از امر الهی تخلف ورزند و از کافران شوند یا مثل سایر فرشتگان امر الهی را اجابت کنند و سعادت‌مند شوند چرا که لزوم با علی بودن هدایت را در پی دارد و حق و حقیقت همیشه همراه اوست.

پیامبر فرمود اگر علی را ولی و سرپرست خود قرار دهید او را هدایت شده و هدایت کننده خواهید یافت و هم شما را به راه راست هدایت خواهد کرد (الحاکم، ۱۴۱۱ ق: ۱۵۳/۳)

*پیامبر لزوم هدایت یافتن را تمسک به علی بن ابی طالب (ع) بیان فرموده چرا که فقط با ایشان راه راست نمایان خواهد شد ابلیس هم می‌دانست اطاعت از پروردگار هدایت محض است اما از دستور الهی سرباز زد و اصحاب پیامبر هم می‌دانستند و شنیده بودند که علی بن ابی طالب (ع) حق محض است و با آن هدایت می‌یابند اما مانند ابلیس لعین راه حق را کنار زدند تا خداوند خود سرانجام آنان را مشخص کند علی بن ابی طالب صراط حق است اگر دیگران به ایشان متمسک شوند هدایت می‌یابند اگر ایشان را کنار زدند از حقانیت ایشان کم نمی‌شود چرا که ایشان مصداق حق است همانطور که ابلیس آدم (ع) را انکار کرد و قوم بنی اسرائیل انبیا را انکار کردند امیرالمؤمنین را هم کنار زدند و انکار کردند اما با انکار آنان راه الهی عوض نمی‌شود و تغییری در آن راه ندارد می‌خواهند شاکر باشند یا ناسپاس. پیامبر فرمود هرکه دوست دارد سوار کشتی نجات شود و به دست آویز مطمئن و ریسمان محکم الهی چنگ زند علی (ع) را ولی خود دانسته و به هدایت فرزندان هدایتگر او اقتدا نماید (حسکانی، ۱۴۱۱ ق: ۱۶۸/۱)

*پیامبر در این روایت ولایت علی (ع) و اولاد ایشان را به مانند کشتی نجات دانسته که هر کسی در این کشتی سوار شود از بلاهای بیرون از آن نجات می‌یابد و به مقصد خود که صراط مستقیم است می‌رسد (فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ (عنکبوت ۱۵) پس او و اهل کشتی را نجات بخشیدیم و آن را عبرتی برای جهانیان قرار دادیم) علی (ع) مانند ناخدای کشتی، اهل کشتی را به سلامت به مقصد می‌رساند کسی که آگاه به تمام امور است و معصوم است که راه گشای دیگران قرار گرفته و همینطور پیامبر اشاره می‌کند که اولاد علی (ع) نیز به مانند ایشان هدایتگر و مأمور شناساندن راه حق به امت هستند و اینان همان دست آویز محکم الهی هستند که امت باید به آنان متوسل شوند تا هدایت یابند و گرنه راه هدایت در جای دیگری نیست بقیه همه بی راهه و باطل هستند (وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ {آل عمران ۱۰۱} و چگونه کافر خواهید شد در صورتی که برای شما آیات خدا خوانده می‌شود و پیامبر میان شماست و هر کس به دین خدا متمسک شود محققا به راه راست هدایت یافته.





شهادت به ولایت

{ای رسول به یاد آر} روزی را که ما همه مردم را با پیشوایشان دعوت می‌کنیم پس هرکه نامه عملش را به دست راست دهند آن‌ها نامه خود را قرائت کنند و کمترین ستمی به آن‌ها نخواهد شد^۱

*طبق آیه قرآن در قیامت هر فردی با امامش محشور خواهد شد که آیا آن فرد امامی را که از او پیروی کرده می‌شناخته و آیا آن امام دعوت به حق می‌کرده یا نه؟ کسی که ولی و وصی الهی و معصوم باشد به سوی خداوند و صراط مستقیم دعوت می‌کند و پیروان و تابعان این امام در قیامت سربلند و از نامه اعمالشان راضی خواهند بود چرا که با پیروی از منبع اصلی هدایت راه را به درستی طی کرده‌اند و دیگران که امامان ضلالت بودند با دعوت به سوی آتش پیروان را نیز با خود به سوی آتش دعوت کردند طبق روایت پیامبر (هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است) کسی که امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده یعنی اعتقاد به خدا و پیامبر نیز از او پذیرفته نیست چرا که کسی معتقد به خدا و پیامبر است که طبق قول خداوند در آیه اولی الامر مطیع محض خدا و رسول و اولی الامر یعنی جانشین الهی پیامبر باشد این یعنی شهادت ثلاثه و اعتقاد به ولایت که با این اعتقاد دین و مسیرمان کامل و سرانجامش رستگاری است.

علی (ع) فرمود صخر بن حرب آمد و نزد پیامبر نشست و گفت امر امامت پس از شما از آن کیست؟ فرمود برای کسی که منزلتش برای من مثل منزلت هارون به موسی است پس خدا این آیه را نازل کرد (درباره چه می‌پرسند) یعنی اهل مکه درباره خلافت علی از تو می‌پرسند (از آن خبر بزرگ که همواره درباره آن با یکدیگر اختلاف دارند) برخی از آن‌ها تصدیق می‌کنند و برخی از آن‌ها ولایت علی (ع) را تکذیب می‌کنند (نه چنین است می‌پندارند به زودی آگاه خواهند شد) این آیه رد بر آن‌هاست که به زودی می‌شناسند که خلافت حق علی (ع) است زیرا از آن‌ها در قبور پیرامون ولایت سؤال می‌شود و هیچ میتی از آن‌ها در شرق و غرب دریا و خشکی باقی نمی‌ماند مگر آنکه فرشتگان نکیر و منکر از آن‌ها سؤال می‌کنند و از میت می‌پرسند پروردگارت کیست؟ دینت چیست؟ پیامبر و امامت کیست؟ (همان)

ابوسعید خدری گفت بهترین اقوال آن است که از میت درباره عقاید و اعمال سؤال می‌شود و در رأس آن‌ها شهادت به توحید و یگانگی خداوند و مهم‌ترین آن‌ها ولایت علی (ع) است (آلوسی، بی تا: ۸۰/۲۳)

وقتی عبدالله بن عباس در بستر موت بود گفت خداوندا به تو تقرب می‌جویم به ولایت علی بن ابی طالب (ابن حنبل، ۱۴۰۳ ق: ۱۱۲۹/۲)

عبدالله گوید پیامبر فرمود ای عبدالله فرشته‌ای نزد من آمد و گفت ای محمد از پیامبران پیشین خود بپرس با چه شرطی به پیامبری مبعوث شده‌اند؟ پیامبر فرمود از آنان پرسیدم گفتند بر ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب (ع) (الحاکم، ۱۳۹۷ ق: ۹۵/۱)

۱. {يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِإِمامِهِ فَأُولَئِكَ يَتْلَوْنَ كِتَابَهُمْ وَيَاظْمُونَ قَتِيلًا} {اسراء ۷۱}

* همانطور که قبلاً هم بیان شد انبیا، اوصیایی دارند و در قیامت از این امامان و اوصیا خواهند پرسید و اولین امام این امت نیز علی بن ابی طالب (ع) است که از مردم درباره او سؤال خواهد شد و روایات قبلی نیز گویای این مطلب است و ولایت علی (ع) شرط بعثت سایر انبیاست چرا که مقام امامت بالاتر از مقام نبوت است.

پیامبر فرمود هر پیامبری وصی و وارثی دارد وصی و وارث من علی بن ابی طالب (ع) است (ابن حنبل، ۱۴۰۳ ق: ۱۰۵۲/۲)

ابوبکر گفت کسی از صراط عبور نمی کند مگر علی (ع) برای او جواز عبور نوشته باشد (الهیتمی، ۱۴۱۷ ق: ۳۶۹/۲)

در حدیث علی (ع) من تقسیم کننده دوزخ هستم یعنی مردم بر دو گروهند گروهی که با من هستند و اهل بهشت و گروهی که علیه من هستند در دوزخ (ابن اثیر، ۱۳۹۹ ق: ۶۱/۴)

سلمان گوید به رسول خدا گفتم ای پیامبر برای هر پیامبری جانشینی هست جانشین تو کیست؟ پیامبر پاسخی نداد اما دفعه بعد که حضرت مرا صدا زد من به سوی ایشان رفتم و ندایش را لبیک گفتم حضرت فرمود می دانی جانشین موسی که بود؟ گفتم یوشع بن نون پیامبر فرمود می دانی چرا؟ گفتم چون او داناترین آنها بود پیامبر فرمود جانشین من، آگاه به اسرارم، بهترین شخص از امتم پس از من که وعده های مرا وفا و دین مرا ادا خواهد کرد علی بن ابی طالب (ع) است (طبرانی، بی تا: ۲۲۱/۶)

پیامبر فرمود ای علی تو پس از من برای هر مؤمنی جانشین هستی (طیالسی، ۱۴۲۰ ق: ۴۶۹/۴)

پیامبر فرمود هر کس می خواهد زندگی و مرگش مانند من باشد و وارد بهشت گردد علی (ع) و فرزندان او را به عنوان ولی و امام انتخاب کند (ابن حجر، ۱۴۱۲ ق: ۵۸۷/۲)

* پیامبر بارها به صورت صریح وصی پس از خودش را معرفی نمود همانطور که انبیای الهی اوصیای خویش را معرفی کردند و اوصیای پس از خودش را ۱۲ نفر معرفی نمود که یکی پس از دیگری خواهند آمد که اولین آنها علی (ع) و آخرین آنها مهدی از اهل بیت و فرزند حضرت فاطمه (س) است.

جابر بن سمره گوید همراه پدرم نزد پیامبر بودیم که شنیدیم می گفت بعد از من دوازده خلیفه خواهند بود سپس صدایش را آرام کرد به پدرم گفتم وقتی صدایش آرام شد چه گفت؟ گفت فرمود همه آنان از بنی هاشم هستند (قندوزی، ۱۴۱۶ ق: ۲۹۰/۳)

برخی از محققان گفته اند: احادیثی که دلالت بر خلفای دوازده گانه می کند و از طرق مختلف شهرت دارد دانسته شد مراد از امامان دوازده گانه اهل بیت و عترت پیامبرند چرا که امکان حمل این حدیث بر افرادی همچون خلفای سه گانه پس از او که از صحابه آن حضرت بودند امکان پذیر نمی باشد، چون تعداد آنها کمتر از دوازده می باشد و تطبیق آن بر ملوک بنی امیه امکان پذیر نمی باشد چرا که تعداد آنها نیز بیش از دوازده بوده و جز عمر بن عبدالعزیز ظلم آشکاری از آنها سر زده و آنها غیر از بنی هاشم می باشند چرا که پیامبر فرمود همه آنها از قریش اند همچنین امکان تطبیق این روایت بر بنی عباس نیز امکان پذیر نمی باشد چون تعداد آنها نیز بیش از دوازده بوده و آنان نیز رعایت حق بنی هاشم در آیه {بگو چیزی از شما نمی خواهم جز محبت به اهل بیتم} و حدیث کساء را ننموده بودند پس راهی نیست جز آن که این حدیث بر امامان دوازده گانه حمل شود چرا



که آنان داناترین، با جلالترین، باتقواترین، زاهدترین، باشرفترین از حیث حسب و نسب و با کرامتترین انسانهای زمان خویش بودند دانش و آگاهیهایشان و نیز نسل آنان به طور مستقیم به جد بزرگوارشان می‌رسد اهل تحقیق و توفیق نیز به این معنا پی برده‌اند که مراد از آن‌ها دوازده امام از اهل بیت (ع) می‌باشند چنان که حدیث ثقلین و احادیث فراوان دیگر در این کتاب و دیگر کتب روایی این برداشت را تأیید می‌کند (همان، ۲۹۲)

مهدویت

اعتقاد و باور به موعود آخرالزمان توصیه پیامبر خاتم است که تمام ادیان و مذاهب اعتقاد و باور به منجی آخرالزمان دارند در کلام پیامبر این منجی آخرالزمان که امید و هدایت را به همگان خواهد چشاند همان معصومی است که خود هدایت را می‌شناسد و دیگران را نیز هدایت می‌کند کسی که هدایت را شناسد برای هدایت خود محتاج دیگران خواهد بود و در روایت‌های بسیار متواتر از پیامبر نقل شده و مهدی موعود را به همه شناسانده و لزوم پیروی و اطاعت مطلق بر هرکسی که معتقد به خدا و قرآن و پیامبر است واجب است تا هدایت یابند.

پیامبر فرمود: من سرور پیامبران و علی سرور اوصیاست و اوصیای پس از من دوازده نفرند که اولشان علی و آخرین آنها که قیام کننده است مهدی است (همان، ۲۹۱)

در حالی که ابوذر خود را به درب خانه کعبه چسبانده بود شنیدم که می‌گفت هر کسی مرا می‌شناسد که می‌شناسد و آن که مرا نمی‌شناسد بداند که من ابوذر هستم و از پیامبر شنیدم که می‌فرمود بدانید که مثل اهل بیت من همچون کشتی نوح است که هرکس سوارگشت نجات یافت و هرکس روی گرداند هلاک گشت (ابن حنبل، ۱۴۰۳ ق: ۷۸۵/۲)

*همانطور که کشتی نوح سبب نجات شد و نیکوکاران نجات یافتند اهل بیت (ع) نیز کسانی هستند که نجات بخش‌اند و به راه الهی سوق می‌دهند هر چند بیشتر مردم راه غیر اهل بیت را پیش گرفتند و گمراه شدند طبق آیه قرآن این آیه مصداق کسانی است که وعده الهی به امر حق را نادیده انگاشتند.

همواره باید در میان مردم افرادی باشند که بر حق ظهور کرده و با دلایل و براهینی که عرضه می‌نمایند مانع از تحریف کتاب و تغییر شریعتی که خدا آن را نازل کرده شوند و با نور خود برای نابینایان راهنما گردند این همه به این خاطر است که زمین نباید از حجت قائم خداوند خالی باشد تا مبدا حجت‌ها و بینات الهی از بین بروند (ابن تیمیه، ۱۴۲۵ ق: ۱۳۰/۲۵)

*ابن تیمیه خواسته یا ناخواسته به عصمت فردی که جانشین الهی است اشاره کرده چرا که فقط فردی الهی، برحق ظهور می‌کند و از جانب خداوند به حق انتخاب می‌شوند و با تمام صفاتی که گذشت مثل علم و شجاعت و قضاوت و عدالت... مانع تحریف کتاب و سنت و برهان خداوند می‌شود مثل حدیث ثقلین یا حدیث سفینه که گذشت و تا قیامت باید این امام باشد تا براهین الهی باطل نشود و گرنه سخن نقض خواهد.

(پیش از قیامت)... عیسی (ع) خواهد آمد و پشت سر مردی از این امت نماز خواهد خواند و این خود دلالت صریح دارد بر این معنا که گفته‌اند زمین هرگز نباید از قائمی که از سوی خداوند حجت می‌باشد خالی بماند (ابن حجر، ۱۴۲۶ ق: ۹۲/۸)

روایات متواتر از طریق راویان متعدد از پیامبر درباره حضرت مهدی (ع) نقل شده که او از اهل بیت (ع) آن حضرت است و هفت سال حکومت و زمین را پر از عدل و داد می‌کند هموست که عیسی (ع) به همراه او خروج کرده و او را در کشتن دجال در دروازه سرزمین فلسطین یاری می‌دهد او امام این امت است و عیسی پشت سر او نماز می‌گذارد (المزی، ۱۴۰۰ ق: ۱۴۹/۲۵)

فخررازی: ثابت گردید آن شخص همان انسان کامل است و ثابت شد همان قطب مرکزی برای این دنیای عنصری است و همه موجودات در این دنیا به برکت وجود اویند چنان که گروهی از شیعیان امامیه او را امام معصوم و یا صاحب الزمان نامیده و می‌گویند او غایب است باید گفت شیعیان به درستی این دو وصف را به او داده‌اند چرا که چنین شخصی چون از ارتکاب همه نقص‌هایی که دیگران به آن مرتکب می‌شوند دور باشد باید او را معصوم و صاحب زمان دانست (فخررازی، ۱۴۰۷ ق: ۱۰۶/۸)

* حضرت مهدی پس از اوصیای حقیقی پیامبر، آخرین ذخیره الهی است که بر حق به سوی مردم روانه شده و مردم را به سوی خداوند فرا می‌خواند اما به خاطر ناسپاسی مردم ایشان را از مردم پنهان داشته همان طور که عیسی (ع) را به خاطر ناسپاسی بنی اسرائیل از همه مخفی داشت و شیعیان و پیروان راستین خداوند امر الهی را شنیده و با جان دل پیرو اوصیای حقیقی پیامبر شدند چرا که حجت از جانب خداوند بر آنان تمام شده و دلایل و براهین الهی را قبول کردند و با محبت فراوان تابع و پیرو علی (ع) و اوصیای بعد از ایشان شدند همانطور که پیامبر بارها فرموده بودند که شیعیان و پیروان علی بن ابی طالب رستگاران روز قیامت‌اند و هر کس از علی (ع) پیرو کند به حقیقت می‌رسد.

رستگاران روز قیامت

با توضیحاتی که گذشت فقط کسانی می‌توانند مسیر هدایت و رستگاری را ببینند که به ریسمان هدایت الهی چنگ زنند و پیامبر بارها این اولیای هدایتگر و راهشان را به همه معرفی نموده کسی که حق و مسیر آن را بشناسد و پیرو آن نباشد تنها به خود لطمه زده و حجت را بر خود تمام نموده چرا که نور و روشنایی بر همه واضح و عیان است این ما هستیم که باید نور را وارد تاریکی وجودمان کنیم تا خود به این منبع نور وصل شویم و نورانی و رستگار شویم.

جابر بن عبدالله گفت در محضر پیامبر بودیم که علی (ع) به سوی ما می‌آمد و پیامبر فرمود برادرم به سوی شما می‌آید آنگاه حضرت رو به کعبه نمود با دست خویش بر کعبه زد و فرمود سوگند به خدایی که جانم در دست اوست این شخص و شیعیان او رستگاران روز قیامت‌اند (ابن عساکر، ۱۴۱۷ ق: ۳۷۱/۴۲) وقتی این آیه نازل شد {کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند بهترین مخلوقات‌اند} پیامبر به علی (ع) فرمود منظور از این تو و شیعیان تو در روز قیامت است که از این امر خشنود و راضی خواهید بود صحابه چنین بودند که وقتی علی (ع) وارد می‌شد می‌گفتند بهترین مخلوق آمد (سیوطی، ۱۴۲۴ ق: ۵۷۷/۱۵)





علی (ع) فرمود پیامبر به من فرمود ای علی چون روز قیامت فرارسد گروهی از قبرهایشان خارج می‌شوند با لباس‌هایی از نور، سوار بر شترانی از نور با افسارهایی از جنس یاقوت سرخ که ملانکه آن‌ها را تا محشر مشایعت می‌کنند علی (ع) فرمود تبارک الله چقدر این‌ها نزد خداوند گرامیند پیامبر فرمود ای علی آن‌ها کسانی هستند که ولایت و امامت تو را پذیرفته‌اند آنان شیعیان و دوستان تو هستند که تو را به خاطر دوستی من دوست دارند مرا دوست دارند زیرا خدا را دوست دارند آنان در روز قیامت رستگارانند (ابن عساکر، ۱۴۱۷ ق: ۳۳۲/۴۲)

افرادی که به طور خاص از علی (ع) پیروی می‌کنند شیعه نام دارند آنان قائل به امامت و خلافت علی (ع) بر اساس وصیت پیامبر و روایات هستند البته این روایات گاهی به صراحت تمام و گاهی نیز به صورت غیر آشکار می‌باشد همچنین معتقدند امامت از فرزندان علی (ع) خارج نمی‌شود و اگر امامت از این دایره خارج شود و به دیگری برسد یا به واسطه ظلم افراد دیگر است یا به جهت تقیه و حفظ جان، از جانب فرد علوی می‌باشد شیعیان بر این عقیده هستند که امامت از قبیل اموری نیست که عموم مردم به واسطه مصلحت در موردش تصمیم بگیرند و امام را منصوب کنند بلکه قضیه‌ای بنیادین و مهم است که رکن و اصل دین می‌باشد و برای پیامبران جایز نیست که از آن غافل شوند و نسبت به آن اهمال کنند و جایز نیست به مردم واگذار کنند (شهرستانی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۱۴۶)

*طبق این اعتراف عالم اهل سنت نیز، شیعیان کسانی هستند که از علی (ع) پیروی می‌کنند و اطاعت از ایشان را واجب می‌دانند و خلافت را حق ایشان می‌دانند حال با وجود تمام این مطالب و موارد که حقیقت مشخص شد و سعد و معاویه نیز حدیث علی مع الحق را شنیدند اما آیا جایز است با وجود توصیه‌ها و سفارشات به پیروی از علی (ع) که حق مطلق است راه دیگری را پیمود؟ یا سکوت نمود و آن را توجیه نمود همانند شیطان که می‌گفت من از آتشم و از خاک برترم پس سجده نمی‌کنم که نتیجه نافرمانی از امر الهی کفر و مطرود شدن از درگاه الهی را در پی دارد.

نتیجه‌گیری

ارسال انبیا و امامان سنت الهی است که خداوند با این واسطه‌های الهی و معصوم پیام و کلام خود را برای هدایت بندگان می‌رساند پیامبر اسلام خاتم الانبیا و سید الانبیاست و جانشین ایشان نیز سید الاوصیاء، کسانی که تمسک به این بزرگواران نمودند کامل‌ترین دین و معارف الهی را خواهند گرفت و کسانی که آن را رد کنند نتیجه‌ای جز شقاوت و گمراهی نخواهند داشت پیامبر مسیر را مشخص نمود و حجت تمام نمود و به کامل‌ترین صورت ممکن مشخصات وصی خود را بیان نمود و در برابر دیدگان همه ایشان را معرفی نمود و فرمود کسی که به علی (ع) تمسک جوید راه حق را برگزیده در این پژوهش ثابت شد که علی (ع) مصداق حق است و پیروی از ایشان مسیر هدایت و رستگاری را به ما نشان خواهد داد شیعه نیز با تمسک به علی (ع)

و اولاد ايشان طبق كلام رسول خدا عمل نموده تا مشمول لطف و رحمت الهی شوند (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا
انسان ۳) ما راه را به او نشان دادیم یا سپاسگذار خواهد بود یا ناسپاس.

منابع

قرآن الکریم

الآلوسی، شهاب الدین محمود البغدادی (بی تا) روح المعانی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

ابی داود طیالسی، سلیمان بن داود بن الجارود (۱۴۲۰ ق) المسند، تحقیق: محمد بن عبدالمحسن التركي، قاهره: دارهجر.

ابن حنبل، ابی عبدالله احمد بن محمد (۱۴۰۳ ق) فضائل الصحابه، تحقیق: وصی الله بن محمد عباس، الرياض: دارالعلم
السعودیه.

_____ (۱۴۱۶ ق) المسند، تحقیق: شعيب الارناؤوط، بیروت: موسسه الرساله.

ابن عساکر، ابی القاسم علی بن الحسن بن هبه الله بن عبدالله الشافعی (۱۴۱۷ ق) تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: محب الدین
ابی سعید عمر بن غرامه العمری، بیروت: دارالفکر.

ابن الاثیر، ابی الحسن علی بن ابی الکریم محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد الشیبانی (۱۳۹۹ ق) النهایه فی غریب
الایثر، بیروت.

ابن تیمیه حرانی، ابی العباس تقی الدین احمد بن عبدالحلیم (۱۴۲۵ ق) مجموع الفتاوی، تحقیق: عبدالرحمن بن محمد بن
قاسم العاصمی النجدی، چاپ دوم، قاهره: مکتبه ابن تیمیه.

ابن حجر، احمد بن علی العسقلانی (۱۴۲۳ ق) لسان المیزان، تحقیق: عبدالفتاح ابوغده، بیروت: مکتبه المطبوعات الاسلامیه.

_____ (۱۴۲۶ ق) فتح الباری شرح صحیح البخاری، الرياض: دارطیبه

الحاکم، ابی عبدالله محمد بن عبدالله النیشابوری (۱۴۳۵ ق) المستدرک علی الصحیحین، قاهره: دارالتأسیل

_____ (۱۳۹۷ ق) معرفه علوم الحدیث، تحقیق: السید معظم حسین، چاپ دوم، بیروت

الحاکم الحسکانی، عبیدالله بن محمد الحنفی النیسابوری (۱۴۱۱ ق) شواهد التنزیل، تحقیق: الشیخ محمدباقر المحمودی،
طهران: موسسه الطبع والنشر التابعه لوزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی

السیوطی: جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۴ ق) الدر المنثور، تحقیق: عبدالله بن عبدالمحسن التركي، قاهره:
دارهجر.

الشهرستانی، احمد (۱۴۰۴ ق) الملل و النحل، تحقیق: محمد کیلانی، بیروت: دارالمعرفه.

الطبرانی، ابی القاسم سلیمان بن احمد (بی تا) المعجم الکبیر، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، قاهره: مکتبه ابن تیمیه.

الطبرى الرازى، محمد بن عمر بن الحسين بن الحسن بن على البكرى (١٤٠١ ق) التفسير الكبير، بيروت: دارالفكر.
فخر الدين رازى، محمد بن عمر بن الحسين بن الحسن بن على التيمى البكرى الطبرى (١٤٠٧ ق) المطالب العالى، تحقيق:
احمد حجازى السقا، بيروت: چاپ دارالكتاب العربى.

القندوزى، سليمان بن ابراهيم الحنفى (١٤١٦ ق) ينابيع الموده، تحقيق: سيدجمال اشرف، قم.
المزى، ابوالحجاج يوسف بن الزكى عبدالرحمن (١٤٠٠ ق) تهذيب الكمال، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: موسسه
الرساله.

الهيثمى، احمد بن حجر (١٤١٧ ق) الصواعق المحرقة، تحقيق: عبدالرحمن بن عبدالله التركى وكامل محمد الخراط، بيروت.



پښتونخواه علوم انسانى و مطالعات فرهنگى
پرتال جامع علوم انسانى